

کیفرگرایی تقنینی، در قلمرو پاسخ به جرائم خاص نظامی

بهروز میرعلیزاده^۱

همزاد رضوی فرد^۲

محمدعلی جاهد^۳

DOR: 20.1001.1.17358671.1399.19.70.1.2

چکیده

در طول تاریخ حقوق کیفری، رویکردهای مختلفی برای مبارزه با بزهکاری اتخاذ شده است، در میان آنها به دلایل متعدد الگوی کیفری با تأکید بر کیفرگرایی مورد استقبال سیاست گذاران جنایی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد مختلف این رویکرد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای موجود به بررسی، توصیف و تحلیل ابعاد و زوایای گوناگون موضوع پژوهش پرداخته شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کیفرگرایی نه تنها موجب افزایش جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌شود؛ بلکه موجبات توسعه و تعمیق مداخله‌های کیفری را فراهم می‌آورد که موضع قانون‌گذار در واکنش به جرائم خاص نظامی و افراد تحت شمول در قانون مجازات نیروهای مسلح رویکردی کاملاً کیفرگرا بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، از مهم‌ترین مؤلفه‌های رویکرد کیفرگرایی می‌توان به جرم‌انگاری افراطی، تورم جرائم پیش‌بینی شده در قانون، توسل افراطی به کیفرهای سرکوبگرانه و نامتناسب، به کارگیری الفاظ مبهم و تعریف نشده در قانون به ترتیبی که امکان تفسیرهای متفاوت را فراهم آورده و افرادی بیشتری را بتوان در قلمرو آن گنجانند، تحدید یا حذف موجبات مخففه اشاره نمود. با مطالعه قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح می‌توان نمودها و جلوه‌های کیفرگرایی را در تمامی مراحل به‌ویژه جرم‌انگاری و کیفرگذاری ملاحظه نمود که از مؤیدات این امر، استفاده حداکثری مقنن از عنوان مجرمانه «محاربه» است به نحوی که در بیش از ۳۰ ماده از مواد این قانون از عبارات «محارب محسوب می‌شود» و یا «به مجازات محاربه محکوم می‌شود» استفاده شده است و نزدیک به ۹۰ ماده از مواد قانونی، از مجازات حبس سخن به میان آمده است که آشکارا دلالت بر شدت عمل مقنن در کیفرگرایی دارد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار به دلیل شبیه‌سازی نامعقول و غیرمنطقی بین جرائم نظامی با مفهوم و معنای محاربه دست به گریبان نوعی افراط‌گرایی در قلمرو پاسخ‌های مربوطه شده است.

کلیدواژه‌ها: کیفرگرایی تقنینی، جرائم خاص نظامی، کیفرگذاری، جرم‌انگاری افراطی، محاربه

behroz.arman.88@gmail.com

bzoudlaw.110@gmail.com

Dr.jahed@iauardabil.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۲. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده، مسئول)

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

جستار گشایی

پدیده مجرمانه را بر اساس مبانی مختلفی طبقه‌بندی نموده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن، بر اساس عنصر قانونی تفکیک جرائم عمومی از جرائم اختصاصی است و از مصادیق بارز جرائم اختصاصی جرائم نظامی است. درخصوص تعریف جرم نظامی و ضابطه تفکیک آن از جرم عمومی دیدگاه‌های مختلفی از سوی حقوقدانان کیفری ارائه شده است و این تفکیک منشأ آثار بسیار مهمی هم از حیث حقوق داخلی و هم از جهت حقوق بین‌المللی از قبیل عدم پذیرش تقاضای استرداد مرتکبین جرائم نظامی دارد؛ (الهام، ۱۳۸۹: ۲۷) و اینکه فرد نظامی^۱ کیست و جرائم خاص نظامی^۲ چیست و با چه شرایطی محقق می‌شود دارای موافقان و مخالفان نظری است؛ اما اجمالاً می‌توان گفت: فرد نظامی به کسی اطلاق می‌گردد که به موجب قوانین استخدامی مربوط به هر یک از نیروهای مسلح به استخدام این نیروها درآمده باشد و یا به موجب قانون خدمت وظیفه عمومی در یکی از دوره‌های ضرورت، احتیاط، یا ذخیره مشغول خدمت باشند، که قانون‌گذار اعضای نیروهای مسلح را در ۸ بند در ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح احصاء نموده است.

پاسخ به جرم نیز طبعاً موضوعی انسانی است که دارای ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در قلمرو ملی و بین‌المللی است. پاسخ‌های کیفری در معنای عام شامل مجازات‌ها و نیز شامل سایر انواع پاسخ‌ها به جرم می‌شوند درواقع وجه مشترک کیفر و سایر انواع پاسخ به جرم این است که هر دو در مقام واکنش نسبت به جرائم و مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما صرف‌نظر از این وجه اشتراک، تفاوت‌های عمده‌ای میان پاسخ‌های کیفری و مجازات‌ها (کیفرها) وجود دارد. در معنای خاص منظور از پاسخ‌های کیفری، پاسخ‌هایی است که بدون ماهیت رنج‌آور، محروم‌کننده و صدمه‌زننده نسبت به جرائم و مجرمان ارائه می‌شوند. (غلامی، ۱۳۹۵، الف: ۴۳) تعیین کیفر و مجازات، مهم‌ترین حوزه حقوق کیفری است که دولت بیشترین دخالت را در آن دارد و انتخاب حق پاسخ به جرم یک انتخاب کلان محسوب می‌گردد و با نظام سیاسی هر کشوری در ارتباط است و سنتی‌ترین پاسخ‌ها به جرم به اقتضای سیر تحول جوامع بشری، پاسخ‌های سرکوبگر کیفری بوده‌اند. این کنش و واکنش میان تبهکاران و بزهکاران از یک‌سو و نظام عدالت کیفری از سوی دیگر از دیرباز وجود داشته و هیچ جامعه متمدنی را نمی‌توان یافت که از این ابزار برای مبارزه با هنجارشکنان استفاده ننماید دراین‌بین پاسخ به جرائم خاص نظامی به لحاظ نظم پیچیده حاکم بر نیروهای مسلح و تبعات ارتکاب رفتارهای مجرمانه از سوی افراد نظامی، اکثر دولت‌ها سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای در مواجهه با این نوع جرائم به‌ویژه در حوزه قانون‌گذاری اتخاذ نموده‌اند و در تمامی نظام‌های کیفری برای جرائم نظامی، مجازات‌های شدیدتری نسبت به جرائم عادی پیش‌بینی شده است.

1. military

2. Special military crimes

کیفرگرایی^۱ و بازگشت به مجازات و استقبال از آن تحت تأثیر بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی، سیاسی، فلسفی یکی از تحولات عدالت کیفری از دهه هفتاد قرن بیستم میلادی و به عنوان رویکردی در سیاست جنایی محسوب شده و به مفهوم گرایش فوق العاده به کیفر و توسل بی رویه به آن و اعمال مجازات های شدید و اتخاذ و شیوه سخت گیری به مجرم، در بستر الگوی کیفری مطرح شده و معنا پیدا می کند، این رویکرد در قلمرو کیفرشناسی مبانی نظری خود را مرهون حداقل سه نظریه سزادهی، بازدارندگی و سلب توان بزهکاران است و شاخص ها و معیارها و انواع و گونه های مختلفی دارد که ممکن است در قلمرو فرهنگی اجتماعی، قضایی، اجرایی و تقنینی ظهور و بروز یابد.

انعکاس کیفرگرایی بر هر یک از مراحل جرم انگاری، کیفرگذاری، رسیدگی و اجرای احکام به گونه ای خاص جلوه گر می شود؛ اما قانون گذار کیفری ایران در تدوین قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به ویژه مجازات های معینه برای جرائم خاص نظامی، گرایش بیشتر و بارزتری به کیفرگرایی دارد به طوری که شدت و غلظت کیفر را می توان یکی از ویژگی های بارز این قانون دانست به ترتیبی که در مواد مختلفی از عبارات «محاربه محسوب می شود» یا «به مجازات محارب محکوم می شود» استفاده شده است. این شیوه نگارش قانون به این معنا است که مقنن جرائمی را که ماهیتاً و حقیقتاً محاربه محسوب نمی شود را، از حیث مجازات در حکم محاربه قرار داده است که مبین شدت عمل قانون گذار و یکی از شاخص های مهم کیفرگرایی است و از دیگر شاخص های کیفرگرایی تقنینی، می توان به عدم رعایت اصل تناسب در اعمال مجازات بین رفتار مرتکب و نتایج ناشی از جرم اشاره کرد. به عنوان مثال در ماده ۲۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح یک تخلف سبک ممکن است فرد را در معرض مجازات سنگینی همچون محاربه قرار دهد. این مقاله درصدد شناسایی و تنویر مبانی نظری و بسترهای بروز کیفرگرایی و تحلیل تأثیر این رویکرد در متن قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است.

مبانی و مفاهیم نظری

گستره کیفرگرایی تقنینی و جرائم خاص نظامی و شناخت پاسخ های کیفری، موجب تبیین دقیق تر حیطه و چارچوب بحث خواهد شد.

۱-۱- گستره کیفرگرایی تقنینی

اصطلاح کیفرگرایی در حقیقت برگردان واژه معادل انگلیسی Punitiveness است و معنای واژه «کیفر» روشن است و «گرایی» نیز دلالت بر تمایل و گرایش به سوی چیزی دارد که در اینجا، منظور گرایش به کیفر است. کیفرگرایی حاوی درجه ای از عدم اعتدال است به این معنا که فرض بر آن است که مجازات، دارای هنجار و میزان متعارفی است که بر اساس آن می تواند متناسب و به اندازه باشد (رحم دل: ۱۳۹۰). کیفرگرایی حاکی از خروج از اعتدال در پاسخ دهی کیفری و توسل به شدت عمل جزایی است.

1. Punitiveness

این امر ممکن است از طریق توسل به نوع خاصی از مجازات، میزان بیشتری از آن، تحمیل آن در شرایط سخت، عدم رعایت اصول و هنجارهای منصفانه یا عادلانه محاکمه، تعقیب و اجرای عدالت کیفری باشد (Matthews, 2005: 177). با وجود اختلاف نظر در مفهوم کیفرگرایی و مصادیق آن، مؤلفه‌هایی همچون جرم‌انگاری افراطی، تورم جرائم پیش‌بینی شده در قانون، توسل افراطی به کیفرهای سرکوبگرانه و نامتناسب، سخت‌گیری در دوره مجازات، تمایل به تحمیل مجازات شاق، افزایش میزان مجازات‌ها در بازنگری متن قانون، به کارگیری الفاظ مبهم و تعریف نشده در قانون که امکان تفسیرهای متفاوت را فراهم آورده و افراد بیشتری را مشمول آن دانست، حذف یا کاهش پتانسیل‌های قانونی جهت توقف یا سقوط مجازات نظیر شرایط استحقاق آزادی مشروط یا تعلیق تعقیب یا تعلیق مجازات یا معاذیر موجهه، کاهش یا حذف موجبات مخففه را می‌توان داخل در تعریف کیفرگرایی و از شاخص‌های مقوم این رویکرد محسوب کرد (lynch, 2002: 5-41). بدین ترتیب کیفرگرایی، مفهومی است که گاه از طریق ارزیابی میزان تناسب مداخله جزایی، گاه با توجه به نوع مداخله جزایی و گاه با بررسی قلمرو و عمق مداخله محدودکننده کیفری قابل تحقق است (غلامی، ۱۳۹۵، ب: ۳۶۳).

در کیفرگرایی، به‌طور خاصی مدیریت قوه قضائیه و قاضی می‌توانند نقش اصلی را ایفا نمایند یا در قلمرو اجرای عدالت کیفری، پلیس و مجریان احکام از کنشگران کیفرگرا باشند یا تمایل عمومی به کیفر و کیفررسانی در جامعه بیشتر باشد یا اینکه کیفرگرایی نتیجه و ماحصل عملکرد نظام تقنینی و مراجع تصمیم‌ساز در راستای وضع و تصویب قوانین و مقررات باشد و موجبات تورم کیفری و افزایش جرم‌انگاری یا افزایش مجازات‌ها شده و به‌صورت نامتوازن و نامتناسب عناوین مجرمانه را افزایش دهد و در مجموع زمینه تشدید سخت‌گیری در نظام عدالت کیفری را فراهم نماید که از مورد اخیر تحت عنوان کیفرگرایی تقنینی یاد می‌شود.

۱-۲- جرائم خاص نظامی

یکی از طبقه‌بندی‌های جرائم بر مبنای عنصر قانونی، تقسیم جرائم به عمومی و نظامی است که دارای آثار و پیامدهای خاصی است. در درک جرم نظامی دو عنصر باید مورد توجه قرار گیرد. نخست شخصیت مرتکب که مبنایش صلاحیت شخصی محاکم نظامی است و دیگر ماهیت جرم که صلاحیت ذاتی را شکل می‌دهد (الهام، ۱۳۸۹: ۲۸). برخی نویسندگان نیز جرم نظامی را قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظائف ارتش که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده است تعریف نموده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۷۱) اما با توجه به مفاد اصل ۱۷۲ قانون اساسی و دکترین حقوقی، آنچه که از چیستی بزه خاص نظامی به ذهن متبادر می‌شود این است که این دسته از جرائم شامل رفتارهای مجرمانه‌ای است که تنها از سوی افراد نظامی قابل ارتکاب است بنابراین می‌توان گفت منظور از جرائم خاص نظامی، ((جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظائف و مسئولیت‌های نظامی که مطابق قانون

و مقررات بر عهده آنان است مرتکب می‌شوند.) این تعریف سه ویژگی دارد. اولاً؛ مرتکب آن باید از افراد ذکرشده در ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح باشد. ثانیاً؛ فعل یا ترک فعل ارتكابی اعضای نیروهای مسلح در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده باشد. ثالثاً؛ این رفتارها صرفاً قابلیت ارتكاب از سوی نظامیان داشته باشد. از مصادیق جرائم خاص نظامی می‌توان به فرار از خدمت، لغو دستور، عضویت در سازمان‌ها، احزاب، و جمعیت‌های سیاسی و مداخله و شرکت و یا فعالیت آنان در دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی، تیراندازی برخلاف مقررات، ترک محل نگهبانی، خوابیدن در حین نگهبانی، تعرض به نگهبان یا مراقب اشاره نمود که این جرائم از جرائم عمومی نظامیان و جرائم در مقام ضابط دادگستری قابل تفکیک است.

۱-۳- گستره پاسخ‌های کیفری

پاسخ‌های کیفری در معنای عام هم شامل مجازات‌ها و هم شامل سایر انواع پاسخ‌ها به جرم می‌شوند درواقع وجه مشترک کیفر و سایر انواع پاسخ به جرم، این است که هر دو در مقام واکنش نسبت به جرائم و مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ لیکن صرف‌نظر از این وجه اشتراک تفاوت‌های عمده‌ای میان پاسخ‌های کیفری و مجازات‌ها (کیفرها) وجود دارد. می‌توان گفت که پاسخ هم شامل مجازات و هم اقدامات و تدابیر غیرکیفری است و دراین‌بین اعدام، قصاص نفس، حبس، شلاق، قطع عضو از مصادیق مجازات محسوب شده اما پاسخ‌های همچون آزادی مشروط، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، خدمات عمومی رایگان، پاسخ‌های غیرکیفری تلقی می‌شوند. انتخاب نوع پاسخ به جرم یک انتخاب کلان برای دولت‌ها محسوب می‌شود که سنتی‌ترین آن، پاسخ‌های سرکوبگر کیفری بوده و از دیرباز به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با هنجارشکنان مورد استفاده قرارگرفته است و درخصوص جرائم خاص نظامی نیز به لحاظ شرایط ویژه حاکم بر نیروهای مسلح، اکثر دولت‌ها سایت‌های کیفری خشن و سخت‌گیرانه در مواجهه با این نوع جرائم؛ به‌ویژه در حوزه تقنینی اتخاذ نموده‌اند و قانون‌گذار ایران نیز علیرغم اعمال تغییراتی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۱ همچنان وجهه خود را به‌عنوان یک قانون شدت‌گرا حفظ نموده است.

۲- کیفرگرایی در جرم‌انگاری جرائم خاص نظامی

به نظر می‌رسد لازمه پرداختن به جلوه‌های کیفرگرایی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به‌ویژه جرائم خاص نظامی، تشریح اجمالی اصول و مبانی جرم‌انگاری باشد. مبانی‌ترین بحث این است که جایگاه اصل و استثناء مشخص‌گردد و از آنجا که جرم‌انگاری، شدیدترین نوع محدودیت بر قلمرو آزادی افراد است و این اصل جرم‌انگاری است که نیازمند دلیل موجه است و در حقیقت اصل بر حداقلی و کمینه بودن حقوق کیفری است.

۲-۱- مفهوم و ماهیت جرم‌انگاری

جرم‌انگاری فرآیند جرم قلمداد نمودن پاره‌ای از رفتارها توسط قانون‌گذار کیفری است. اما چه معیاری وجود دارد که بر اساس آن تعدادی از رفتارها، مشمول خط قرمزهای حقوق کیفری واقع شده و شمار دیگر در بیرون از این دایره باقی می‌ماند؟ معیاری که ارائه می‌دهیم تا حدود زیادی بستگی به درک و تعبیر ما از ماهیت «جرم» دارد. اساساً آیا جرم به‌عنوان یک پدیده در عالم خارج وجود دارد و اقدام قانون‌گذار تنها عامل شناسایی و رسمیت بخشیدن به آن است و یا اینکه چیزی به‌عنوان جرم، وجود ندارد و این مقنن است که با جرم‌انگاری عملی، مبادرت به خلق و آفرینش مولودی به نام جرم می‌کند؟ به بیان اخیری قانون‌گذار به‌مثابه یک کاشف عمل می‌کند یا یک مخترع؟ باید گفت که در پاسخ به این پرسش تعیین‌کننده، دیدگاه واحدی وجود ندارد و روی هم‌رفته می‌توان دو گرایش کلی در این خصوص از یکدیگر بازشناخت:

الف) گرایش ذات باور: تابعان این گرایش بر این باورند که جرم واقعی‌تری روانی. اجتماعی است که قبل از آنکه توسط حقوق جزا واجد وصف مجرمانه شود وجود داشته است. البته در توضیح اینکه شاخص تمیز این واقعیت چیست، پاسخ واحدی در میان تابعان وجود ندارد که در ادامه آن را از نظر می‌گذرانیم. ب) گرایش نسبیت‌پندار: پیروان این دیدگاه معتقدند که اشتباهی بس عظیم است که تصور کنیم جرم یک واقعیت روانی. اجتماعی خاص است. بلکه جرم بنای خودسرانه نظام اجتماعی بیش نیست. جرم یک اختراع اجتماعی و عمل خام است که به‌هیچ‌وجه منطبق با واقعیت نیست، یک عمل مجرمانه تلقی می‌شود، زیرا نظام کیفری آن را متصف به این وصف نموده وگرنه عملی مادی مانند سایر اعمال انسان است. (گسن، ۱۳۷۹: ۶۵-۶۴)

بنابراین در گرایش اول، ضابطه اساسی در جرم شناختن افعال، حساسیت‌های عمومی در نفی و طرد آن‌هاست و تصریح یا عدم تصریح آن در قانون ارتباطی با ماهیت وجودی جرم ندارد؛ و طرفداران گرایش دوم مدعی هستند که چیزی به نام جرم وجود ندارد و جرم یک قول است نه یک عمل که نتیجه حاصله از پذیرش این نوع نگرش آن است که تولد رفتار مجرمانه، تابعی از نصوص قانون باشد که با نسخ قانون جزا، محکوم به مرگ است. همچنین با نگرش اخیر می‌توان جرم را به‌عنوان یک برچسب اجتماعی با منافع نظام حاکم و قانون‌گذار پیوند داد. در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که جرائم و جرم خاص نظامی وجود دارد و جرائم با واقعیت انسانی و اجتماعی یعنی خشونت و نیرنگ در قالب احساس عدالت که خاص نوع بشر است و رسالت حقوق کیفری که ارضای آن احساس است تبیین می‌شود.

۲-۲- اصول حاکم بر جرم‌انگاری

جرم‌شناسان اصولی را ذکر نموده‌اند که باید در حوزه جرم‌انگاری حاکم باشد و درواقع اصول ذیل همان

اصولی هستند که اصل کاربرد کمینه حقوق جزا را نیز بنیان می‌نهند.

۱- اصل ارزش کیفری: که به موجب آن یک رفتار برای اینکه جرم‌انگاری شود، باید به اندازه کافی سرزنش‌پذیر باشد. هرچند که این اصل ممکن است به واسطه نبود ضابطه‌مندی؛ به‌ویژه در جوامع متکثر محل نقد قرار می‌گیرد؛ اما این امر مانع از به شمار آوردن آن در زمره معیارهای سودمند در جرم‌انگاری نیست.

۲- اصل نیاز: که ناظر بر این است که جرم‌انگاری تنها در فرض نیاز موجه است و به‌ویژه در وجه منفی آن؛ یعنی ترک جرم‌انگاری در صورت عدم نیاز، روشن‌تر است.

۳- اصل اعتدال و میانه‌روی: این اصل الهام‌بخش آن است که با هرگونه عمل ناشایست نباید به‌طور شدید برخورد کرد.

۴- استدلال به ناکارآمدی: بعضاً جرم‌انگاری فی‌نفسه و در سرشت خود در رویارویی با پاره‌ای ناهنجاری‌ها ناکارآمد است، نظیر مواردی که عنصر مادی رفتار چنان است که اساساً اثبات‌پذیر نبوده و یا به دشواری اثبات‌پذیر است و یا جرم‌انگاری در فضای روابط خانوادگی که توالی فاسد به همراه دارد. استدلال به ناکارآمدی در جرائم متروک نیز قابل عنوان است.

۵- اصل توجه به هزینه‌های جرم‌انگاری: تحلیل اقتصادی حقوق ما را در جرم‌انگاری محتاط می‌کند، هرچند که نباید از هزینه‌های غیرمادی جرم نیز غافل ماند. این به‌خصوص در مدل‌های گوناگون جرم‌انگاری به مدل «تصفیه» که شنسک^۱ آن را ابداع کرد و نیز به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است.

۶- اصل توجه به مصالح بزه دیده: که به‌ویژه پس از ظهور پارادایم ترمیمی، برجسته شده است. به‌عنوان مثال، مصالح بزه‌دیده از جمله حیثیت او بعضاً ایجاب می‌نماید که اقدام در راستای احقاق حقوق او به‌صورت عمومی پیگیری نشود. (نوبهار، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۵)

۲-۳- بازتاب رویکرد کیفرگرایی در جرم‌انگاری جرائم خاص نظامی

اصل قانونمندی جرم‌انگاری در حقوق کیفری مدرن جای خود را به اصل کیفی بودن قوانین کیفری داده است و از آنجا که قانون مجازات جرم‌انگار است و از این طریق در حقوق و آزادی‌های فردی مداخله نموده و فرد را در معرض مجرم تلقی شدن قرار می‌دهد لازم است ضمن حفظ حقوق و کرامت انسانی، صریح و منجز، قابل پیش‌بینی و قابل دسترس باشد که در وضع موادی از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح این اصل به‌ویژه در جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه خاص نظامی که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد به فراموشی سپرده شده است.

۲-۳-۱- استفاده مقنن از الفاظ و عبارات مبهم و کلی

یکی از اشکال جرم‌انگاری افراطی استفاده قانون‌گذار از الفاظ و عبارت غیرصریح و کلی است که این

1. Shonsheck

امر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصداق پیدا می کند که ذیلاً به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

تجزیه و تحلیل و یافته های پژوهش

۱- ماده ۵۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: «هر نظامی که با اقدام خود برخلاف شئون نظامی به نحوی از انحاء موجبات بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود».

صرف نظر از ایراد ادبی نگارش ماده که اقدام برخلاف شئون نظامی صحیح تر است؛ نخست اینکه در این ماده مشخص نیست که چه اقداماتی برخلاف شئون نظامی محسوب می گردد؟ در ثانی؛ بدبینی که صفتی درونی است چگونه و به چه نحوی باید احراز گردد. سوم اینکه؛ ایجاد این وصف در چه تعدادی از افراد بدبینی «مردم» تلقی می شود. چهارم این است که واژه های به کاررفته در ماده قانونی مذکور تاب تفسیر موسع دارند و ذکر عبارات و اصطلاحات دارای مفاهیم کلی و مبهم ضمن ایجاد چالش جدی برای قضات در عمل، با اصل قانونمندی جرم و مجازات مغایرت دارد.

۲- ماده ۴۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح اشعار می دارد: «هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن، به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید به ترتیب زیر محکوم می گردد...». عنصر مادی این بزه که عبارت است از «تعرض به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه» مبهم است، چراکه مقنن مشخص ننموده آیا صرف استفاده از الفاظ خاص و پرخاشگری تعرض محسوب می گردد؟ یا مقصود از تعرض ایجاد درگیری فیزیکی است؟ و اینکه در صورت پذیرفتن هر کدام از این معانی کدام یک از الفاظ و افعال محقق عنوان تعرض خواهد بود؟

۳- ماده ۱۲۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می دارد: «هر نظامی که علناً نشان ها و مدال ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر و یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق استفاده نماید یا از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی خود برای مقاصد غیرقانونی استفاده کند...». در این ماده قانونی مشخص نیست منظور از عبارت «مقاصد غیرقانونی» مغایرت رفتار مرتکب با قوانین موضوعه مدنظر مقنن بوده است؟ یا مغایرت با سایر مقررات مانند آیین نامه ها، دستورالعمل ها و بخشنامه ها؟

۴- ماده ۵۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بیان می دارد: «هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب تر و یا کسب امتیاز دیگر، عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی شود و بنا به گواهی پزشکان نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی علاقه گی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد؛ علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر

محکوم می‌گردد...».

در این ماده صرف‌نظر از ایراد جدی وارده در خصوص جرم‌انگاری خودزنی برخلاف اصول کلی حاکم بر حقوق کیفری و پیش‌بینی مجازات محارب، «تمارض روحی» و «بی‌علاقگی در امور خدمتی» که یک حالت و امر درونی و باطنی است چگونه و به چه نحوی باید احراز گردد؟

۲-۳-۲- جرم‌انگاری افراطی در تنظیم متون قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

امروزه در قبال رفتارهای مجرمانه سیاست جنایی متنوع اتخاذ می‌گردد و یکی از رویکردهای کیفرگر، تنظیم متون قانونی سخت‌گیرانه و جرم‌انگاری افراطی توسط قانون‌گذار است که در نگارش متون قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح این رویکرد به‌وضوح قابل‌مشاهده است که به اهم آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- جرم‌انگاری ازدواج با اتباع بیگانه؛ تبصره ماده ۳۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد: «هرگاه لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه یا با اتباع بیگانه‌ای که به سبب ازدواج تبعه ایرانی محسوب می‌شوند باشد به حبس از سه ماه تا یک سال و اخراج از خدمت محکوم می‌گردد» صرف‌نظر از آسیب‌های مهم در زمینه امنیتی و نظامی، ازدواج نظامیان با اتباع بیگانه، مقنن بدون ممنوع نمودن اصل موضوع ازدواج با اتباع بیگانه در قوانین موضوعه، برای مرتکب آن مجازات پیش‌بینی نموده است و آن را تحت عنوان کیفری «لغو دستور» و از جرائم خاص نظامی محسوب کرده است.

۲- بازداشت موقت الزامی در جرم اختلاس بیش از یک میلیون ریال

ماده ۱۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح اشعار می‌دارد: «هر نظامی که زائد بر یک میلیون ریال اختلاس کند در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ‌یک از مراحل رسیدگی قابل‌تبدیل نخواهد بود». هرچند که جرائمی مانند ارتشاء، اختلاس و اخاذی علیرغم تقنین در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، به‌عنوان جرم خاص نظامی محسوب نشده؛ لیکن در مراجع قضائی نظامی کشور ما به این جرائم نیز مطابق قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود، که در این ماده قانونی شدت گرایش به کیفر از طریق ایجاد محدودیت در تخفیف قرار تأمین کیفری به‌وضوح قابل‌مشاهده است.

۳- پیش‌بینی مجازات محاربه به‌صرف تحقق نتیجه خاص؛

ماده ۲۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد: «هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی، سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افرادی خودی شود مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد». همچنان‌که بیان شد یکی از شاخص‌های کیفرگرایی اصل تناسب جرم و مجازات است این در حالی است که قانون‌گذار در این ماده قانونی ضمن تخطی از این اصل، بیش از شدت جرم ارتكابی به نتایج و زیان‌های ناشی از جرم توجه کرده و با تأکید بر اصل ضرر، به‌صرف تحقق نتیجه‌ای خاص اقدام به

وضع کیفر سنگین نموده است.

۴- غیرقابل گذشت بودن تمامی جرائم مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح؛

شدت گرایش به کیفر همواره به طور مستقیم اعمال نمی گردد به بیان دیگر صرف تشدید مجازات، مصداق شدت گرایی نیست بلکه این امر می تواند از طریق کاهش یا حذف موجبات مخففه، تشکیل دادگاه های اختصاصی، کاهش سن مسئولیت کیفری، حذف پتانسیل های قانونی جهت توقف یا سقوط مجازات نظیر گذشت شاکی خصوصی، استحقاق آزادی مشروط، تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات و ... محقق گردد. مطابق اصول حاکم بر حقوق کیفری اصل بر این است که هیچ جرمی قابل گذشت نیست مگر در خود قانون به قابل گذشت بودن آن جرم صراحتاً اشاره شده باشد که در هیچ کدام از مواد قانونی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به قابل گذشت بودن هیچ جرمی اشاره نشده است.

۳- کیفرگرایی در کیفرگذاری جرائم خاص نظامی

جرم و کیفر دو روی یک سکه هستند و جرم انگاری منطقاً کیفرگذاری را در پی خواهد داشت؛ کیفرگرایی را در یک نظام ملهم از الگوی کیفرگرایی می توان هم در کیفیت و نوع مجازات معینه برای آن ها ملاحظه نمود. بدیهی است هرچقدر دامنه شمول افعال مجرمانه گسترده تعریف شود، سازوکار ارجح در پاسخ دهی به خروج از این خط قرمزها مجازات خواهد بود، البته مجازاتی که ارباب برانگیزتر، شدیدتر، بازدارنده تر، ناتوان سازتر باشد، اولویت را به خود اختصاص می دهد و تعیین مجازات های شدید و یا پیش بینی راه های متعدد تشدید مجازات در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، بیانگر توجه خاص قانون گذار به عامل بازدارندگی است و بهره گیری از مجازات های سالب حیات که علی القاعده شدیدتر محسوب می شوند و نیز فراوانی کیفرهای سالب آزادی که به روشنی ناتوان ساز است، تجسم عینی و جلوه تقنینی کیفرگرایی در عمل است. به طور کلی می توان مجازات ها را از نظر ماهیت به ۴ دسته تقسیم کرد: مجازات های بدنی، مجازات های سالب و محدودکننده آزادی، مجازات های مالی، مجازات های سالب حق، در این تقسیم بندی به ترتیب از شدت مجازات ها کاسته می شود. درواقع شدت و ضعف مجازات ها را برحسب میزان مشقتی که به مجرم تحمیل می شود تعیین می کند (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۵۸). معیار سنجش این مشقت نوع و میزان مجازات هاست (میرزایی مقدم، ۱۳۸۸: ۸۳). بنابراین در تقسیم بندی فوق، مجازات های بدنی شدیدترین و مجازات سالب حق خفیف ترین این مجازات ها است که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح از هر چهار نوع مجازات در پاسخ به جرائم خاص نظامی استفاده شده است. در این بخش به لحاظ تناسب مطالب مطروحه با عنوان مقاله، صرفاً به مجازات های بدنی و مجازات های سالب و محدودکننده آزادی پرداخته می شود.

۳-۱ مجازات های بدنی

مجازات‌هایی هستند که تمامیت جسمانی مرتکب جرم را هدف قرار می‌دهد و دارای خصوصیتی تریبی و تردیلی است. انواع مجازات‌های بدنی در نظام حقوقی ایران عبارتند از: ۱- سالب حیات شامل اعدام، قصاص، رجم ۲- قطع عضو ۳- شلاق، که قصاص و قطع عضو در جرائم علیه تمامیت جسمانی، سرقت حدی و محاربه، رجم در حدود، اعدام و شلاق نیز در حدود و جرائم تعزیری کاربرد دارد. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز سلب حیات به‌عنوان یکی از مجازات‌های محاربه، اعدام در برخی جرائم تعزیری، قصاص نفس و عضو در جرائم علیه تمامیت جسمانی و شلاق تنها در مورد حد قذف پیش‌بینی شده است. در این قانون بدون تفکیک مفهوم محاربه، افساد فی الارض و بغی در بیش از ۳۰ ماده از عبارات «محارب محسوب می‌شود» یا «به مجازات محارب محکوم می‌شود» استفاده شده است، ازجمله مواد ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، بند الف و ب ماده ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۸، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۱۵ این شیوه نگارش قانون به این معناست که مقنن جرائمی را که ماهیتاً و حقیقتاً محاربه محسوب نمی‌گردد را از حیث مجازات در حکم محاربه قرار داده است که مبین شدت عمل قانون‌گذار در کیفرگذاری است بدین ترتیب شدت و غلظت کیفر را می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز این قانون دانست. همچنین در قانون مذکور در فصل جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی بسیاری از افعال در حکم محاربه یا جاسوسی قرار داده شده و مجازات‌های سنگین و اغلب سالب حیات مقرر گردیده است و مقنن به‌اندازه‌ای در اتخاذ سیاستی شدیدتر اهتمام ورزیده که در مواردی آتش این سخت‌گیری دامن شرکای غیرنظامی جرم را نیز گرفته است ازجمله تبصره ۱ ماده ۲۴ مقرر داشته است: «هر کس در جرائم جاسوسی با نظامیان مشارکت نماید، به‌تبع مجرم‌ان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به همان مجازاتی که برای نظامیان مقرر است محکوم می‌شود».

۳-۲- مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی

به‌اجمال می‌توان گفت مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی مجازات‌هایی هستند که حق آزادی افراد را زایل یا آن را محدود می‌سازند. بنابراین حبس یک مجازات سالب آزادی است که امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا و در نظام حقوقی کشور ما با هدف اصلاح و درمان مجرم مورد حکم قرار می‌گیرد و در میان انواع مجازات‌ها، رایج‌ترین به شمار می‌آید. مجازات حبس اغلب در جرائم تعزیری مورد حکم قرار می‌گیرد و برحسب نوع جرم ممکن است دائم یا موقت باشد و از یک روز شروع می‌شود. (گلدوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳)

در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که یکی از شاخص‌های آن خنثی‌سازی و توان‌گیری است، صرف‌نظر از عدم پیش‌بینی حبس دائم در آن، کاربرد فراوان مجازات حبس موقت یا غیر دائم است؛ به

ترتیبی که از مجموع ۱۳۷ ماده این قانون که همه آنها نیز در مقام تعیین کیفر هستند، قریب ۹۰ ماده از مجازات حبس سخن گفته است. مدت حبس در این قانون بسیار متغیر است که حداکثر آن ۱۵ سال و حداقل آن ۲ ماه است که در بیش از ۳۰ ماده حداکثر مجازات ۱۰ و ۱۵ سال حبس مقرر شده است. در کنار شدت گرایی از طریق تشدید مجازات، قانون گذار در این قانون از طریق ایجاد محدودیت در تخفیف نیز که نوعی شدت گرایی تلقی شده غافل نمانده به ترتیبی که مطابق مواد ۳، ۴ و ۵ این قانون تخفیف در مجازات حبس با جمیع شرایط را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی ممکن دانسته و تخفیف از طریق تبدیل مجازات نیز الزاماً در قالب تبدیل به یکی از مجازات های مذکور در آن مواد میسر خواهد بود. همچنین در برخی از مواد این قانون عدم تناسب در مجازات رفتار عمدی و غیر عمدی مرتکبین، که علی القاعده مرتکبین رفتارهای عمدی نسبت به غیر عمدی از لحاظ میزان قابلیت سرزنش فاعل، شدیدتر است کاملاً مبرهن است؛ به ترتیبی که مطابق ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مجازات تیراندازی برخلاف مقررات که یک فعل عمدی است حبس از ۳ ماه تا یک سال معین شده است در حالی که اگر همین فرد نظامی به صورت غیر عمدی مبادرت به تیراندازی کند رفتار وی مطابق ماده ۸۳ قانون مستوجب مجازات حبس از ۶ ماه تا سه سال خواهد بود.

برخی از حقوقدانان محدودکنندگی آزادی را محدود به تبعید، اقامت اجباری، منع از اقامت در محل معین و اخراج بیگانه از کشور دانسته اند. (گلدوزیان، ۱۳۷۷: ۳۲۴؛ اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۶۴) در حالی که در این گونه مجازات ها تحدید هر نوع آزادی، از جمله آزادی تعیین محل زندگی، آزادی رفت و آمد، آزادی داشتن شغل مورد نظر، آزادی بیان و ... می تواند مطرح شود. همان طور که قانون گذار در ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص تبعید محارب، انواعی از آزادی های وی را مورد هدف قرار داده و مقرر می دارد: «در نفی بلد محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد» مجازات های محدودکننده آزادی که در قانون مجازات نیروهای مسلح پیش بینی شده است عبارت است از: ۱- نفی بلد یا تبعید: در موارد متعددی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح برای مرتکبین جرائم نظامی مجازات محارب پیش بینی شده است و مطابق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی یکی از انواع مجازات های محارب نفی بلد است که حداقل آن یک سال بوده و محارب در آن مدت حق مراوده و معاشرت با دیگران را نخواهد داشت.

۲- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین: در این نوع مجازات بیشتر پیشگیری از تکرار جرم مدنظر بوده و به عبارتی مرتکب جرم از محیط شغلی مستعد بزه یا جرم زا فاصله گرفته و از تکرار جرم پیشگیری می گردد که در ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در مقام تبدیل مجازات اصلی و ۱۵ همان قانون به عنوان متمیم حکم پیش بینی شده است.

نتیجه گیری

نظام عدالت کیفری در مواجهه با پدیده مجرمانه در کنار دو الگوی بالینی و حمایت اجتماعی از الگوی کیفری نیز استفاده می نماید. بنیان های نظری رویکردهای کیفرگرایی را سه نظریه کیفرشناختی سزاگرایی، بازدارندگی و ناتوان سازی تشکیل می دهد؛ کیفرگرایی ممکن است در قلمرو اجتماعی، قضایی، اجرایی یا تقنینی ظهور یابد، این رهیافت نه تنها موجب افزایش جرم انگاری و کیفرگذاری می شود بلکه موجبات توسعه و تعمیق مداخله های کیفری را فراهم می آورد که موضع قانون گذار ایران در واکنش به جرائم خاص نظامی و افراد تحت شمول در قانون مجازات نیروهای مسلح رویکردی کاملاً کیفر گرا بوده است. چراکه مقنن در این قانون در مرحله جرم انگاری ضمن توسیع قلمرو جرم انگاری و به تعبیری جرم انگاری افراطی، استفاده از عبارات مبهم و کلی در تنظیم سخت گیرانه مواد قانونی و گاهی از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها تعدی کرده است و در مرحله کیفرگذاری نیز کیفرگذاری سنگین، استفاده حداکثری از مجازات سالب حیات به ویژه فراوانی جرائم در حکم محاربه، طولانی بودن مدت حبس های مقرر در مواد مختلف، ایجاد سازوکار اختصاصی برای تخفیف و تبدیل مجازات در مقام تحدید آن را می توان از مؤلفه های مؤید این ادعا اشاره نمود؛ به نحوی که در این قانون بدون انطباق مفهوم محاربه با تعریف مطرح شده در قانون مجازات اسلامی در بیش از ۳۰ ماده قانونی از عبارت «محارب محسوب می شود» یا «به مجازات محارب محکوم می شود» استفاده گردیده است و از مجموع ۱۳۷ ماده قانونی نزدیک به ۹۰ ماده قانونی از مجازات حبس برای مرتکبین رفتار مجرمانه سخن به میان آمده است، که این نگرش تبعات و عوارض منفی بر پیکره نظام عدالت کیفری از قبیل توسل به رویکرد سنتی و واپس گرایانه در قانون گذاری، تعدی و تعرض به آزادی های فردی، وارد می سازد و در عرصه عمل نیز باعث بروز و ظهور تعارض در سیاست های تقنینی و پیشگیرانه می شود. امید است با شناخت عمیق تر وظایف و مسئولیت های نیروهای مسلح و بررسی قوانین کیفری حاکم بر رفتارهای مجرمانه نیروهای مسلح، آثار و تبعات این شیوه اتخاذی و شناسایی نقاط ضعف قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، در تدوین قانون جدید ضمن روگردانی از الگوی کیفری به دو الگوی دیگر یعنی بالینی و حمایت اجتماعی توجه بیشتری گردد.

منابع

- اداره کل دفتر آموزشی و پژوهشی سازمان قضایی نیروهای مسلح (۱۳۹۲) **بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۴) **حقوق جزای عمومی ۲**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۷۹) **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- الهام، غلامحسین، (۱۳۸۹) **حقوق جزای نظامی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- داگلاس، هوساک، (۱۳۹۰) **جرم‌انگاری افراطی**، مترجم محمدتقی نوری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- رحم‌دل، منصور، (۱۳۹۰) **تناسب جرم و مجازات**، تهران، انتشارات سمت.
- غلامی، حسین، (۱۳۹۲) **حقوق جزای نظامی- تطبیقی**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- غلامی، حسین، (۱۳۹۵) **علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی**، مجموعه مقالات نكوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی یزان.
- غلامی، حسین، (۱۳۹۵) **کیفرشناسی کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- گسن، رمون، (۱۳۷۱) **بحران سیاست جنایی کشورهای غربی**، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۷) **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- میرزایی مقدم، مرتضی، (۱۳۸۸) **نظریه بازدارندگی مجازات و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- یزدانیان، محمدرضا، (۱۳۹۰) **قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- نوبهار، رحیم، (۱۳۹۲) **اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری**، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱.
- Matthews, Roger, (2005), **The Myth of Punitiveness**, Theoretical Criminology, vol 9 (2).
- Lynch, J.P, (1993) " **A Cross-National Comparison of the Length of Custodial Sentences for Serious Crimes**, Justice Quarterly, 10.
- Lynch, J.P, (2002) **Crime in International Perspective**, In J.Q.wilson & J.petersilia (Eds) **Crim: Public Policies for Crime Control**, San Francisco, CA: Institute for Contemporary Studies.